



۲۰۱۶/۰۹/۲۸



عارف عباسی

سوریه وجدان آدمیت را در آزمون قرار داده!

گذشته از بازگو نمودن عوامل و بازی های متعددی که سوریه را بدین حال کشانید، آن چه امروز در سوریه می گذرد برای هر کشور نیدخل این فاجعه عمیق انسانی و هر نهاد بلند گو و حامی نام نهاد حق بشر، شرمساری و خجالت تاریخی بوده معصیت و مسؤولیت بس بزرگ تاریخی را چون فجایع دیگر بشری به عهده دارند. در ریختن خون ده ها هزار طفل معصوم گرسنه و منتظر نان و آب و دوا، خواسته های پلید و غیر انسانی یکی از بازی گران برآورده نشده این جوی بار خون هر روز تندتر و شدید تر می گردد. هر گروهی به قیمت خون صد ها هزار سوریایی و ویرانی سرتاسری کشور شان در جستجوی تأمین منافع خود و تعقیب اهداف خاص استخدام کنندگان شان است.

بشارالاسد توسط مداخله و حمایت ایران و روسیه باید بقیمت خون ملیون های دیگر و ویرانی سرتاسری سوریه به قدرت باقی بماند. گماشتگان ممالک ثروتمند خلیج و اجیران امریکایی در لای سیاست های غیر قاطع، متلون و متغیر امریکا و تحت نفوذ اسرائیل، به نبرد نا فرجام خود ادامه می دهند. دیگر در صحنه سیاست بین المللی اخلاق پابندی به تعهدات و پیمان ها باقی نمانده، دیه می شود که روز توافق است و شب در هم شکستن. موافقات آتش بس موعده معین را پوره ننموده، روسیه با بمباردمان های هوایی قافله های کمک های بشری، مردم را جبراً به اطاعت بشارالاسد و حکومتش وادار می سازد. ایران در سقوط رژیم علوی برچیدن نفوذ سیاسی و مذهبی خود را در سوریه دیده و هرگز حاضر به از دست دادن این موقف نیست و برای ایران مثل سائر شاملین و عاملین این فاجعه، ریختن خون مردم بیگناه سوریه ارزش ندارد.

تا حال بیش از ۲۵۰۰۰۰ سوریایی کشته شده (رقم تخمینی) و ملیون های دیگر تارک مأوا شده، در اردن و ترکیه در کمپ های فاقد وسائل و مواد ضروریات اولیه حیاتی زندگی نموده و صدها هزار دیگر با قبول قربانی ها عازم اروپا شده اند (ارقام دقیق مهاجرین در دست نیست). در حدود ۱۸ ملیون سوریایی در میان شعله های فروزان آتش جنگ زندگی دارند. به اساس آخرین راپور ها بمباردمان هوایی قوت های بشارالاسد بر مواضع مخالفین مسلح در الپو «حلب» در پنج سال جنگ بکلی بی سابقه است.

روس دست امریکا و متحدینش را از پشت سر بسته تحت عنوان مبارزه با داعش مخالفین تحت حمایت امریکا، ممالک خلیج و ترکیه را مورد حمله قرار داده تا برای بشارالاسد میدان را خالی سازد. بهر حال بازی سیاسی بهر نحوی که است قربانی اصلی انسان بیگناه و بی دفاعی است که روزی کاشانه داشت، کار وباری و لقمه

نانی، امنیت و مصونیتی. آمریکا خواست از عین تاکتیک زوال قضافی در لیبیا، در سوریه استفاده نماید ولی روسیه، چین و ایران غافل گیر نشده در کار زار داخل شدند و سانحه درد ناک کنونی در جریان است. بدون کمترین امیدواری به صلح پایدار و از قرائن چنین بر می آید که بازنده این قمار سیاسی امریکا بوده و پر های قوی در دست روسیه و ایران است، ولی این که کدام جناح برنده و کدام بازنده است، در حقیقت قربانی حقیقی یک ملت مظلوم مملکت آن است و بازیگران باز دور میز خواهند نشست با قول دادن ها و فراموش نمودن این منازعات که بار ها صورت گرفته بازی نوی را شروع می کنند تا کدام کشور دیگر را از نقشه دنیا بردارند.

البته می دانم که گفتن این موضوع نا صواب است ولی خون بعضی از مردم رنگ و ارزش ندارد ولی حدوث یک واقعه در اروپا زمین و زمان را می لرزاند و سر عنوان کلیه رسانه های جمعی می گردد و اگر پیر مرد اسرائیلی از صدای یک راکت سکنه قلبی می کند و یا طفلی و یا اطفال اسرائیلی در اثر یک حمله تروریستی کشته می شوند، دنیا در گلیم ماتم نشسته و سران امریکا و دول غربی به یک دیگر دستمال تعارف می کنند و سرمنشی ملل متحد روی و موی می کند.

اما وقتی که بمب افکن های غول پیکر اسرائیل خانه های ساکنین بی دفاع و کمپ های مهاجرین بی گناه را مورد حملات شدید هوایی قرار می دهند و هزاران جوان، زن و طفل فلسطینی کشته می شود قانون گزاران دموکراسی امریکا آنرا حق مشروع اسرائیل برای مصونیتش می دانند و صدا های ضعیف و نحیفی که گویی از مجرای دیگر می بر آید عمل اسرائیل را با ترس و لرز تقبیح می کنند.

امروز در حقیقت دنیا زیر تالار معظم ملل متحد و نهاد عدل و انصاف جمع گردیده و شاهد بزرگترین جنایات علیه مردم سوریه هستند، ولی این سانحه نهایت غم انگیز بشری با کلمات سنجیده شده ای دیپلماتیک که هیچ یاری نرنجد، پرده پوشی شده و ناله ها، فریاد ها و چیغ و فغان میلیون ها مرد و زن و طفل غم کشیده ای سوریه در لای غرش طیارات وحشیان و خون خوران زمان در آسمان بی عدالتی ها محو می گردد.

کجاست آدمیت؟ کجا است دساتیر قرآن و احادیث نبوی در و باح شمردن ریختن خون بی گناه و دفاع از مظلوم و مبارزه با ظالم؟ و کجاست میثاق های پر زرق و برق سازمان ملل متحد؟ و کجا است اصول بنیان گزاران آزادی های امریکا در پی گیری سعادت و خوشنودی؟ و کجاست درس های لینن و مائو برای تأمین عدالت واقعی اجتماعی و رهایی انسان از غل و زنجیر استعمار، استثمار و استبداد.

نی هموطن، ما در یک دنیای ریا، فریب، تزویر، دروغ و خلاف منافع و خوش بختی آدمیت زیست داریم، اگر از آدمیت خبری می بود جنگ سوریه با یک فیصله قاطع بین المللی متوقف و یک حکومت مؤقت تحت نظر ملل متحد متشکل از گروه های در گیر تشکیل و در ظرف یک سال زمینه انتخابات آزاد تحت نظارت قوای صلح ملل متحد دائر می شد. در لای این آتش بس های غیر عملی شاید هزاران دیگری سر به نیست و چند شهر دیگر به توده های خاک تبدیل شود.

هم وطن! سرشک اندوهت را وقتی گرفته نمی توانی که اگر تاریخ کهن زمانه را مرور و جایگاه با عظمت سوریه را در هر دورانی دریابی. انگیزه های منافع ستراتیجیک نظامی، سیاسی و اقتصادی زیر عناوین مختلف کشور های نادار را صحنه بازی های زورمندان دوران قرار می دهد و برای تباهی ملتی بهانه تراشیدن کار دشوار نیست.